

تعهد به همکاری در پایان بخشیدن به نقض تعهدات ناشی از قاعده ممنوعیت

استفاده از سلاح‌های شیمیایی در پرتو حقوق مسئولیت بین‌المللی

اکبر زارع* صابر نیاورانی** محسن عبداللهی***

چکیده

واکنش اخیر دولت‌ها به کاربرد سلاح‌های شیمیایی در سوریه چه در قالب همکاری نهادین، از جمله اقدامات مندرج در قطعنامه‌های ۲۱۱۸ مورخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳، ۲۲۰۹ مورخ مارس ۲۰۱۵ و ۲۲۳۵ مورخ ۷ اوت ۲۰۱۵ شورای امنیت و چه به صورت انفرادی از جمله واکنش ایالات متحده به استفاده از سلاح شیمیایی در خان شیخون تداعی‌گر آن تعهداتی است که به موجب ماده ۴۱ طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل به دنبال نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره بین‌المللی برای دولت‌ها ایجاد می‌شوند. از این رو، پاسخ به این پرسش اساسی ضرورت پیدا می‌کند که آیا قاعده مورد بحث به عنوان قاعده آمره قابل پذیرش است؟ پاسخ مثبت به این پرسش، پرسش‌هایی در مورد نحوه واکنش به نقض آن را به دنبال خواهد داشت. تحلیل ویژگی‌های قاعده مورد بحث و انطباق آن معیارهای مندرج در گزارش سال ۲۰۱۷ مخبر کمیسیون حقوق بین‌الملل حاکی از آن است قاعده مذکور منطبق بر معیارهای قاعده آمره است ولی در هر حال، واکنش‌های انجام شده به نقض اخیر قاعده مورد بحث و به‌ویژه ابراز نظر دولت‌ها در این مورد، نشانگر آن است که هرگونه واکنش به نقض آن باید در چارچوب حقوقی مربوطه و با توسل به ابزارهای مشروع انجام گیرد.

واژگان کلیدی: تعهد به همکاری، قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی، قواعد آمره و قواعد غیرقابل تخطی.

* دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*** دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران

مقدمه

استفاده از سلاح‌های شیمیایی از جمله اعمالی است که به موجب حقوق بین‌الملل مطلقاً منع شده (اردلان، ۱۳۸۹: ۱۰۱۲-۹۲۱) و به عنوان مصداقی از سلاح‌های سمی، استفاده از آن جرم‌انگاری شده و موجب مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین‌الملل است. ۱. همچنین این استفاده، یکی از موضوعاتی است که می‌تواند در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار گیرد (جلالی و مقامی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). نقض تعهدات ناشی از بسیاری از قواعد موجب مسئولیت کیفری فردی از جمله منع نسل‌کشی و شکنجه که در حال حاضر به عنوان قواعد آمره بین‌المللی قلمداد می‌شوند موجب آثار خاصی از نظر حقوق مسئولیت بین‌المللی است. آن‌گونه که از «طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها» (از این پس «طرح») (International Law Commission (hereinafter: "ILC"), 2001) برمی‌آید، نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل ۲ نتیجه‌ای متفاوت از نقض تعهدات ناشی از قواعد عادی دارد (رنجبریان، ۱۳۸۷: ۲۱۱). کمیسیون حقوق بین‌الملل (از این پس «کمیسیون») در این طرح بر مبنای درجه‌بندی بین قواعد حقوق بین‌الملل میان تخلف از یک تعهد بین‌المللی با نقض «شدید» ۳ تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام که ماهیتاً تعهدات عام‌الشمول ۴ هستند تفاوت گذاشته است. کمیسیون در این طرح علاوه بر اشاره به آثاری که نقض تعهدات عادی به دنبال دارد، آثار حقوقی خاصی را برای نقض تعهدات عام‌الشمول ناشی از قواعد آمره بین‌المللی بیان می‌کند که در ماده

۱. ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ذیل قسمت ۲ بند ب در جزء‌های ۱۷ و ۱۸ با جرم‌انگاری بکارگیری سم یا سلاح‌های سمی و استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها، مایعات و مواد و یا سایر مواد مشابه، کاربرد این چنین تسلیحاتی را به عنوان جنایات جنگی قلمداد کرده است. گرچه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی صراحتاً از عبارت سلاح شیمیایی استفاده نشده ولی مصدق آن ذکر شده است که با عنایت به جز ۱۷ بند ب قسمت ۲ ماده ۸ سند عناصر جرم منضم به اساسنامه دیوان قابل احراز است. از سوی دیگر، قبل از برگزاری کنفرانس کامپالا استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مخاصمات مسلحانه داخلی ممنوع نشده بود، ولی با برگزاری این کنفرانس در سال ۲۰۱۰ این نقیصه در قالب یک اصلاحیه برطرف شد که نیازمند حدنصاب لازم برای لازم‌الاجرا شدن است. ولی با این حال رویه قضایی حاکی از اعمال این ممنوعیت در تمامی مخاصمات است (بنگرید به: عبدالمالکی و نوری، ۱۳۹۶: ۱۶۰-۱۷۵).

2. Jus cogens
3. Serious
4. Erga omnes

۴۱ طرح منعکس شده است. به دیگر سخن، نقض قواعد آمره موجد تکالیف سلبی و ایجابی برای دول ثالث (منظور از دول ثالث در اینجا هر دولتی به غیر از دولت خاطی و دولت زیان دیده است) است (Shelton, 2002: 843). به موجب بندهای یک و دو ماده اخیرالذکر تعهد به همکاری در پایان بخشیدن به نقض شدید قواعد آمره، تعهد به عدم شناسایی وضعیت ناشی از نقض قواعد آمره و تعهد به خودداری از کمک یا مساعدت به دولت خاطی جهت حفظ وضعیت ناشی از نقض قواعد آمره مصداق تعهدات سلبی و ایجابی در مواجهه با نقض قواعد آمره بین‌المللی است (ILC, 2001: Article 41).

با عنایت به وجه مشترک قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی و قواعدی از جمله منع نسل‌کشی و شکنجه در ممنوعیت «اعمال شنیع»^۱ از یک سو و تصریح شرح و تفسیر ماده ۴۰ طرح بر اینکه برخی از قواعد حقوق بشردوستانه در زمره قواعد آمره قرار دارند از سوی دیگر، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا نقض قاعده ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی نیز می‌تواند موجد همان آثار خاصی باشد که در صورت نقض قواعدی از جمله منع نسل‌کشی برای دول ثالث محقق می‌شود. به عبارت رساتر، آیا می‌توان دولت‌ها را مکلف به واکنش به نقض قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی و به‌ویژه متعهد به همکاری جهت پایان بخشیدن به نقض آن به نحو مندرج در ماده ۴۱ طرح دانست؟ پاسخ به این پرسش مستلزم بررسی ماهیت قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان قاعده آمره است.

مشکلی که در بادی امر خودنمایی می‌کند عدم احصای کامل مصادیق قواعد آمره و مشخص نبودن مصادیق آن است.^۲ قاعد منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی نیز در میان مصادیقی قرار ندارد که تا به امروز به‌طور رسمی به عنوان قاعده آمره شناخته شده‌اند. با این حال، یکی از مخبرهای کمیسیون طی گزارش ۲۰۱۷ خود در مورد قواعد آمره

1. Hideous: Extremely ugly; extremely unpleasant (lexico, 2019)

در واقع منظور از این اعمال، اعمال زشت و هولناکی است که هیچ انسانی تحمل و یارای دیدن یا شنیدن وصف آن‌ها را ندارد.

۲. البته برخی از قواعد حقوق بین‌الملل طی شرح تفسیر ماده ۴۰ طرح به عنوان مصادیق شناخته شده قواعد آمره مورد اشاره قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از قاعده ممنوعیت تجاوز، قاعده ممنوعیت برده‌داری و تجارت برده، ممنوعیت تبعیض نژادی و آپارتاید، شکنجه و جرائم جنگی یا نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه (بنگرید به: ILC, 2001: 112-113).

(ILC, 2017)، معیارهای لازم برای رسیدن قواعد حقوقی بین‌المللی به این مرتبه را مشخص کرده است. از همین رو، ابتدا با اعمال این معیارها به قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی آمره بودن این قاعده را به لحاظ نظری بررسی خواهد شد. همان‌طور که در قسمت ابتدایی مقاله خواهد آمد، قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی بی‌گمان منطبق با معیارهای مندرج در گزارش ۲۰۱۷ است. در بعد نظری برخی صاحب‌نظران یا حکم به آمره بودن این قاعده داده‌اند (زمانی، ۱۳۹۶: ۱۴۶) یا اینکه معتقدند این قاعده فاصله زیادی با کسب این جایگاه ندارد (Hyun, 2015: 1463-1492). در ادامه با اشاره به واکنش دولت‌ها به نقض‌های اخیر این قاعده در سوریه، مشخص خواهد شد که نحوه، شدت و میزان واکنش به حدی بوده است که تداعی‌گر واکنش‌های مقرر در ماده ۴۱ طرح در مواجهه با نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره بین‌المللی است و بر همین اساس می‌توان اذعان کرد دولت‌ها در عمل، این قاعده را قاعده آمره موضوع مواد ۴۰ و ۴۱ طرح تلقی کرده‌اند.

از دیگر سو، سابقه تصویب ماده ۴۱ طرح که حاوی تعهدات سلبی و ایجابی در واکنش به نقض قواعد آمره است، حاکی از آن است که این ماده جهت واکنش به نقض قواعدی در طرح گنجانده شده است که چهره کیفری داشتند ولی به دلیل مخالفت با گنجاندن مفهوم جرم دولت و واحد بودن رژیم مسئولیت بین‌المللی عبارت‌پردازی آن تغییر پیدا کرده و در حال حاضر ناظر بر تعهدات ناشی از قواعد آمره بین‌المللی شده است؛ بنابراین، از این نظر نیز می‌توان قابلیت اعمال این ماده را بر موارد نقض قاعده ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی توجیه‌پذیر دانست.

مقاله حاضر جهت پاسخ به دو پرسش مذکور در دو بند با عناوین «قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان قاعده آمره در تئوری و عمل» و «ضرورت واکنش به نقض تعهدات ناشی از قاعده ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی و مسائل مرتبط» تنظیم شده است.

۱. قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان قاعده آمره در تئوری و عمل در این قسمت از مقاله بر آنیم که به واسطه تطبیق قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی با معیارهای قاعده آمره، ماهیت این قاعده به عنوان قاعده آمره بین‌المللی را مورد ارزیابی قرار دهیم و بعد از آن، با اشاره به واکنش دولت‌ها به مورد اخیر نقض این قاعده آخرین رویکرد دولت‌ها نسبت به جایگاه این قاعده را نیز بررسی کرده و در نتیجه با عنایت به مباحث نظری و رویه دولت‌ها به جایگاه این قاعده در حقوق بین‌الملل پی برده و از این طریق لزوم واکنش به نقض این قاعده و به‌ویژه تعهد به پایان بخشیدن به آن را در قسمت بعدی مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۱. قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی و معیارهای قاعده آمره بین‌المللی
مراد از معیارهای قاعده آمره آن عناصری است که وجود آن‌ها در یک قاعده لازمه شناسایی آن قاعده به عنوان قاعده آمره بین‌المللی است. در حال حاضر، صورت‌بندی اخیر معیارهای لازم برای احراز ویژگی امری قواعد حقوق بین‌المللی را می‌توان در گزارش‌های مخبر کمیسیون در مورد قواعد آمره یافت که بیانی مترقی و به‌روز از معیارهای مندرج در ماده ۵۳ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات است. موضوع قواعد آمره از سال ۲۰۱۵ در دستور کار کمیسیون قرار گرفت و مخبر کمیسیون تاکنون چهار فقره گزارش به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۶ (ILC, 2016)، ۲۰۱۷ (ILC, 2017)، ۲۰۱۸ (ILC, 2018) و در آوریل ۲ (ILC, 2019) تهیه کرده و طی آن‌ها به ترتیب به حوزه شمول قواعد آمره، ماهیت عمومی قواعد آمره، معیارهای تشخیص آن، آثار این قواعد و مصادیق شناخته شده و محتمل قواعد آمره پرداخته است که به ترتیب از آن‌ها با عنوان گزارش اول، گزارش دوم، گزارش سوم و گزارش چهارم یاد خواهد شد. همان‌گونه که در گزارش دوم قید شده (ILC, 2017: 16, para 32) معیارهای مندرج در ماده ۵۳ «کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات» (از این پس «کنوانسیون حقوق معاهدات») (United Nations, 1969) معیار و ملاک مناسبی برای ارزیابی ظهور قاعده آمره است و مراجع قضایی بین‌المللی

همواره جهت احراز آمره بودن قواعد حقوق بین‌الملل به این ماده اشاره کرده‌اند (International Court of Justice (ICJ), 1996: para. 83; ICTY, 1999: para. 60) و صاحب‌نظران نیز به هنگام اشاره به آمریت یک قاعده این ماده را به عنوان نقطه شروع بحث انتخاب کرده‌اند (Sévrine, 2015: 19). در ماده مذکور تصریح شده است که این ماده، قاعده آمره را از منظر کنوانسیون حقوق معاهدات تعریف می‌کند ولی تعریف مندرج در این ماده به عنوان تعریف مورد پذیرش و عمومی قاعده آمره پذیرفته شده است (Weatherall, 2015: 6).

بر اساس ماده ۵۳ کنوانسیون حقوق معاهدات و همچنین ماده چهار گزارش دوم، دو معیار برای تشخیص هنجارها و قواعد حقوق بین‌الملل به عنوان قاعده آمره بین‌المللی ملاک عمل است. قاعده‌ای که موضوع ارزیابی آن به عنوان قاعده آمره مطرح می‌شود باید در زمره قواعد حقوق بین‌الملل عام باشد و به عنوان قاعده‌ای پذیرفته و شناخته شده باشد که تراضی برخلاف آن مجاز نیست (ILC, 2017: 19, para 39).

بر این اساس، نخستین ملاک برای احراز آمره بودن هنجارها و قواعد حقوق بین‌الملل آن است که قاعده مورد ارزیابی در زمره قواعد حقوق بین‌الملل عام باشد.^۱ این نکته به صراحت در متن ماده ۵۳ کنوانسیون تصریح شده و در شرح و تفسیر این ماده (ILC, 1966: Section C, para 2) تکرار شده است که ناظر بر گستره اعمال آن‌ها است (ILC, 2017: 21, para 42). مفهوم حقوق بین‌الملل عام به عنوان یکی از معیارهای شناسایی و پذیرش قواعد آمره بین‌المللی، خالی از ابهام نیست. کمیسیون در این راستا در گزارشی که در مورد تکرار در حقوق بین‌الملل منتشر کرد اعلام کرد که «هیچ تعریفی از حقوق بین‌الملل عام وجود ندارد که مورد پذیرش همگان باشد» (ILC, 2006:23). با این حال مخبر کمیسیون طی گزارش دوم در این راستا اظهار می‌کند:

«عناصری از این مفهوم را می‌توان از رویه و ادبیات استنتاج کرد. گروه کاری در مورد تکرار حقوق بین‌الملل، میان حقوق بین‌الملل عام و حقوق خاص و حقوق ناشی از

۱. مراد از حقوق بین‌الملل عام در ما نحن فیه آن دسته از قواعدی هستند که بر عموم جامعه بین‌المللی و به‌طور یکسان قابل اعمال باشند (بنگرید به: ILC, 1997: p 76, para. 132; ICJ, 1969: p 3, para 63).

معاهده قائل به تفکیک شد... به نظر می‌رسد دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه نیز همین تفکیک را در نظر داشته است؛ اما با چنین تفکیکی احتمال می‌رود برخی از قواعد حقوق بین‌الملل هرگز حائز عنوان قاعده آمره نشوند. در نهایت باید گفت مطلبی که گروه کاری از پرونده گابچی کووو - ناگی ماروس برای ایجاد این تفکیک به آن اشاره می‌کرد حاکی از آن است که دیوان در این پرونده در مقام اشاره و تمایز بین قواعد خاص به وجود آمده بین دو دولت و قواعدی بود که عموماً بر جامعه بین‌المللی حاکم هستند» (ILC, 2017: 20-21).

وفق گزارش دوم، معاهدات قانون‌ساز، قواعد عرفی بین‌المللی و اصول کلی را می‌توان به عنوان مصادیق قواعد حقوق بین‌الملل عام و خاستگاه قواعد آمره بین‌المللی قلمداد کرد (ILC, 2017: 19-31). بر این اساس، یکی از لوازم شناسایی و پذیرش قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان قاعده آمره، اثبات تعلق آن به حوزه قواعد حقوق بین‌الملل عام است. همان‌طور که در ادامه بحث خواهد شد، استفاده از سلاح‌های شیمیایی هم به موجب حقوق بین‌الملل عرفی^۱ و هم به موجب معاهدات قانون‌ساز^۲ منع شده است.

طبق گزارش دوم قواعد حقوق بین‌الملل عرفی بارزترین جلوه هنجارهای حقوق بین‌الملل عام قلمداد شده است (ILC, 2017: 21). بسیاری از صاحب‌نظران نیز، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی را رایج‌ترین منبع ظهور قواعد آمره می‌دانند (Sévrine, 2015: 86)؛ به عبارت دیگر، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مصداق هنجارهای حقوق بین‌الملل عام در معنی مورد نظر ماده ۵۳ است (ILC, 2017: 24). شایان ذکر اینکه، مراد از ذکر این مطلب در اینجا صرفاً اشاره به یکی از خاستگاه‌های قواعد آمره است و تا زمانی که شناسایی و پذیرش به قاعده عرفی ملحق نشود امکان تبدیل و اعتلای آن به مرتبه قواعد آمره منتفی است. امروزه عرفی بودن قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی

۱. در خصوص عرفی بودن قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی بنگرید به قاعده ۷۴ قواعد عرفی بشردوستانه که در منبع زیر در دسترس است (ICRC, 2019).

2. Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on their Destruction, Treaty Series, vol. 1975, p. 45.

مورد پذیرش قرار گرفته است (فلک، ۱۳۹۱: ۲۰۳، 259: Henckaerts & Doswald-Beck 2009). و بنابراین این قاعده می‌تواند در زمره قواعد حقوق بین‌الملل عام قلمداد شود و واجد یکی از معیارهای شناسایی و پذیرش به عنوان قاعده آمره شود.

صرف‌نظر از مباحثی که پیرامون تعلق قواعد معاهداتی به حوزه حقوق بین‌الملل عام مطرح است،^۱ بر اساس گزارش دوم «مقررات ناشی از معاهدات، فی‌نفسه در زمره مصادیق هنجارهای حقوق بین‌الملل عام نیستند. با این حال، مقررات مندرج در معاهدات می‌توانند منعکس‌کننده قواعد حقوق بین‌الملل عام باشند» (ILC, 2017: 31). وفق گزارش موصوف معاهداتی که بیانگر قواعد عرفی بوده یا منجر به تبلور قواعد عرفی در حال ظهور می‌شوند از این جمله هستند.

ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی موضوع اسناد متعددی است.^۲ از جمله مهم‌ترین این اسناد می‌توان به «پروتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ درباره منع استعمال گازهای خفه‌کننده، سمی و شبیه آن»^۳ (از این پس «پروتکل ۱۹۲۵ ژنو») و «کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و کاربرد سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها» (United Nations, 1993: 45) (از این پس «کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی») به عنوان مهم‌ترین اسناد در این زمینه اشاره کرد.

تا سال ۱۹۳۹ یعنی زمان آغاز جنگ دوم جهانی، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو توسط ۳۲ کشور تصویب شد ولی اکنون ۱۴۲ کشور (ICRC, 2019) به آن پیوسته‌اند. در مورد کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی نیز باید گفت که در حال حاضر ۱۹۳ کشور (OPCW, 2019) به آن متعهد هستند. عضویت اکثر کشورها در این دو سند مهم قرینه‌ای بر تعلق قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی به حوزه قواعد حقوق بین‌الملل عام است. شایان ذکر اینکه، مراد از اشاره به تعداد عضویت کشورها در این

۱. اکثر صاحب‌نظران چنین جایگاهی را برای معاهدات قائل نیستند ولی در مقابل برخی چنین جایگاه و ظرفیتی را برای معاهدات بین‌المللی قائل هستند. در این خصوص بنگرید به: (Grigory, 1993: 534-541 & Orakhelashvili, 2006: 113).

۲. جهت اطلاعات مفصل در این زمینه بنگرید به: (اردلان، ۱۳۸۹: ۱۰۱۲-۹۲۱).

3. The 1925 Geneva Gas Protocol.

اسناد، ملاک قرار دادن اکثریت عددی نیست بلکه نمایاندن آن تعداد از کشورها است که می‌توانند نشانگر جامعه بین‌المللی در کلیت آن و عمومیت قاعده باشند.

بر اساس گزارش دوم مخبر کمیسیون «معیار دوم قاعده آمره بین‌المللی شناسایی و پذیرش آن به عنوان قاعده آمره بین‌المللی از سوی جامعه بین‌المللی در کلیت آن است» (ILC, 2017: 32)؛ به عبارت دیگر، بعد از احراز تعلق یک قاعده به حوزه حقوق بین‌الملل عام، گام بعدی در اثبات آمره بودن آن قاعده، پذیرش و شناسایی آن به عنوان قاعده غیرقابل تخطی و امکان ترتب سایر آثار قواعد آمره بر آن است. البته باید یادآور شد، محدود کردن آثار قاعده آمره به غیرقابل تخطی بودن آن‌ها و در نتیجه عدم امکان تراضی برخلاف قواعد آمره صرفاً در چارچوب حقوق معاهدات معنی پیدا می‌کند؛ اما با عنایت به اشاره طرح مواد به بقای دولت‌ها و ارزش‌های اساسی جامعه بین‌المللی به عنوان مبانی نظری و فلسفی این مفهوم (ILC, 2017: 112) همان‌طور که در گزارش سوم مخبر کمیسیون آمده اثر شناسایی یک قاعده به عنوان قاعده آمره بین‌المللی محدود به غیر قابل تخطی بودن آن نیست، بلکه آثاری دیگری نیز به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به ایجاد تعهدات خاص از جمله واکنش به نقض آن‌ها در پرتو رژیم مسئولیت اشاره کرد (ILC, 2018: 33-40). افزون بر این وجود قواعد آمره به عنوان ضامن ارزش‌ها، نظم عمومی و منافع حیاتی جامعه بین‌المللی فراروی دولت‌ها قرار گرفته است (موسوی و خلف رضایی، ۱۳۹۴: ۳۶۹).

با عنایت به ویژگی مضاعف عرفی و معاهداتی قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی که پیش از این به آن‌ها اشاره شد، هم عنصر پذیرش و هم عنصر شناسایی که لازمه احراز آمره بودن یک قاعده هستند، در مورد این قاعده مصداق پیدا کرده است. از سوی دیگر، با عنایت به پیوستن حداکثری کشورها به پروتکل ۱۹۲۵ و کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و ممنوعیت مطلق کاربرد سلاح شیمیایی می‌توان قائل بر این بود که جامعه بین‌المللی در کلیت آن این قاعده را به عنوان قاعده‌ای شناسایی و پذیرفته است که نه تنها تخطی از آن به هیچ عنوان مجاز نیست، بلکه آثار دیگری از جمله مترتب شدن آثار ناشی از نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره نیز بر آن‌ها مترتب است.

وجه تمایز عمده قواعد آمره بین‌المللی با سایر قواعد در آن است که قواعد آمره تخلف‌ناپذیر هستند. تخلف‌ناپذیر بودن قواعد آمره به آن معنی است که هرگونه تراضی به هر شکل ممکن که برخلاف قاعده آمره باشد، خودبه‌خود و از ابتدا محکوم به بطلان است و به عبارت روشن‌تر هیچ وضعیت و اثر حقوقی ایجاد نمی‌کند (Slye & Schaack, 2009: 96). افزون بر این، همان‌طور که پیش از این گفته شد، قواعد آمره پاسدار ارزش‌های بنیادین بین‌المللی و حافظ موجودیت دولت‌ها هستند. از همین رو است که وفق ماده ۲۲ کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی کشورها حق اعمال شرط به هیچ‌یک از مقررات این کنوانسیون را ندارند و در مورد ضمایم کنوانسیون نیز، این ماده مقرر می‌دارد اعمال هرگونه شرطی مغایر با هدف و موضوع این کنوانسیون قابل پذیرش نیست.^۱ با عنایت به عضویت اکثر کشورها در این کنوانسیون و پروتکل ۱۹۲۵ ژنو که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، جامعه بین‌المللی در کلیت آن، قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی را به عنوان قاعده‌ای پذیرفته است که پاسدار ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی و ضامن بقای دولت‌ها است؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد که قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح شیمیایی یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عام است.

به این ترتیب، قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی منطبق بر معیارهای قواعد آمره است که در ماده چهار گزارش دوم به آن‌ها اشاره شده است. این معیارها، در واقع معیارهایی است که انطباق یک قاعده با آن‌ها دلیلی بر آمره بودن آن است. از این رو، می‌توان از این حیث قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی را یک قاعده آمره قلمداد کرد و بر اعتقاد برخی صاحب نظران مبنی بر آمره بودن این قاعده صحه گذاشت.

۱-۲. واکنش دولت‌ها به نقض‌های اخیر قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های

شیمیایی

پیرو استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه دولت ایالات متحده آمریکا در اوت

1. Article 22 of the Convention provides that: "The Articles of this Convention shall not be subject to reservations. The Annexes of this Convention shall not be subject to reservations incompatible with its object and purpose."

۲۰۱۲ به دولت اسد و دیگر بازیگران جنگ سوریه هشدار داد که استفاده از سلاح شیمیایی به طور قطع عبور از خطوط قرمز محسوب شده و تبعات سنگینی را به دنبال خواهد داشت (Obama, 2012). با این حال بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، سلاح‌های شیمیایی در جنگ داخلی سوریه مورد استفاده قرار گرفت.^۱ در واکنش، ایالات متحده آمریکا تهدید به حمله موشکی کرد و دبیر کل وقت سازمان ملل متحد ضمن محکوم کردن کاربرد سلاح‌های شیمیایی آن را جرم جنگی و نقض شدید حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد کرد (UN, 2013). فرانسه و بریتانیا نیز هشدار دادند که استفاده از سلاح‌های شیمیایی تبعات سنگینی را به دنبال خواهد داشت و در همین راستا فرانسه تهدید به مداخله نظامی کرد (Borger, 2013).

روسیه به عنوان نزدیک‌ترین متحد سوریه، پیشنهاد کرد که سوریه به کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی بپیوندد که در نهایت مورد موافقت دولت سوریه قرار گرفت. در اثر فشارهای بین‌المللی ایالات متحده و روسیه برنامه مشترک امحای سلاح‌های شیمیایی سوریه را ارائه دادند که موعدی را برای امحا تجهیزات و مواد شیمیایی این کشور و همچنین بازدید میدانی مقرر می‌کرد. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز قطعنامه‌ای را به اتفاق آرا تصویب کرد و طی آن اعلام کرد: «استفاده از سلاح‌های شیمیایی در هر جا که باشد تهدید به صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد می‌شود». شورای امنیت سازمان ملل متحد طی همین قطعنامه خواهان اجرای کامل تصمیمات سازمان منع سلاح‌های شیمیایی شد که در بردارنده فرآیندهای قابل راستی‌آزمایی برای امحای سلاح‌های شیمیایی سوریه بود (Gordon, 2013 and UN, 2013). سرانجام، طی مذاکرات بین ایالات متحده آمریکا و سوریه مقرر شد که سوریه اقدام به امحای ذخایر و تأسیسات تولید مواد شیمیایی خود وفق برنامه مورد تأیید سازمان منع سلاح‌های شیمیایی بکند (OPCW, 2013).

واکنش‌هایی که در مواجهه با نقض‌های اخیر قاعده منع استفاده از سلاح‌های

1. U.N. Secretary-General, Report of the United Nations Mission to Investigate Allegations of the Use of Chemical Weapons in the Syrian Arab Republic on the Alleged Use of Chemical Weapons in the Ghouta Area of Damascus on 21 August 2013, pp. 27, 30, U.N. Doc. A/67/997-S/2013/553 (Sept. 13, 2013) (Last visited 6 March 2019).

شیمیایی صورت گرفته تداعی گر لحن به کار رفته در متن و شرح و تفسیر مواد ۴۰ و ۴۱ طرح است. در واقع، واکنش دولت‌ها به کاربرد سلاح‌های شیمیایی در سوریه به گونه‌ای است که به اتکای آن می‌توان اذعان داشت طرز تلقی دولت‌ها از این قاعده، قاعده‌ای است که نقض آن منجر به تحقق تکالیف سلبی و به‌ویژه ایجابی مقرر در ماده ۴۱ طرح برای دولت‌ها است. به دیگر سخن، دولت‌ها در عمل واکنشی به نقض این قاعده از خود نشان داده‌اند که در طرح برای واکنش به نقض تعهدات عام‌الشمول ناشی از قواعد آمره در طرح مسئولیت دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. بر همین اساس، می‌توان اظهار داشت که از نظر دولت‌ها این قاعده در رأس سلسله‌مراتب قواعد حقوقی در جامعه بین‌المللی قرار دارد.

۲. ضرورت واکنش به نقض تعهدات ناشی از قاعده ممنوعیت کاربرد سلاح‌های

شیمیایی و مسائل مرتبط

در بند پیشین با تکیه بر آرا و نظرات حقوق‌دانان و به‌ویژه گزارش دوم مخبر کمیسیون در مورد قاعده آمره و همچنین واکنش دولت‌ها به نقض‌های اخیر قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی به این نتیجه دست یافتیم که قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی می‌تواند به عنوان قاعده آمره قلمداد شود. در نتیجه نقض تعهدات ناشی از آن موجب آثاری خواهد بود که به موجب حقوق مسئولیت بین‌المللی بر نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره مترتب است. از جمله مهم‌ترین این آثار، ایجاد تعهد به واکنش و به‌ویژه تعهد به همکاری برای پایان بخشیدن به نقض این قاعده است که در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته باید یادآور شد، ماده ۴۱ که دربردارنده آثار نقض قواعد آمره است، به هنگام طرح مباحث آن در کمیسیون حقوق بین‌الملل محل انتقاد بسیاری از دولت‌ها بوده است (ILC, 2001: 64-72) ولی امروزه در تأیید عرفی شدن این تعهد می‌توان به استنتاجات دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مصونیت صلاحیتی توجه کرد؛ با این تفسیر که دیوان طی بندهای ۹۲ و ۹۳ رأی مورد اشاره قواعد مندرج در ماده ۴۱ طرح مسئولیت دولت‌ها را به عنوان قاعده عرفی قلمداد

کرده است (ICJ, 2012: paras 91-92).

۱-۲. ضرورت و مبانی واکنش در برابر نقض قاعده ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی
 نظام حقوق بین‌الملل کماکان نظامی غیرمتمرکز است که سازمان‌ها و سازوکارهای
 منسجم لازم برای اجرای تمامی تعهدات حقوقی بین‌المللی را هنوز به‌طور کامل در
 اختیار ندارد؛ اما این نقیصه حداقل در مورد تعهدات ناشی از قواعد آمره مرتفع شده
 است. چنانچه قاعده‌ای از جمله قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان قاعده
 آمره شناخته شود، نه تنها تعهدات ناشی از آن تعهدات عام‌الشمول قلمداد می‌شوند
 (Crawford, 2000: 34)، بلکه تعهد به رعایت و اجرای آن‌ها نیز واجد این خصلت
 خواهند بود و در واقع تعهد به نفع جامعه بین‌المللی در کلیت آن قلمداد می‌شوند
 (Costelloe, 2017: 186). از این روی، دولت‌ها جهت صیانت از منافع جامعه بین‌المللی
 مکلف به اجرای آن‌ها هستند. به دیگر سخن، از آنجایی که چنین تعهداتی ناشی از
 منافع عالی جامعه بین‌المللی در کلیت آن هستند رعایت و اجرای آن‌ها تعهدی است که
 تمامی دولت‌ها به واسطه عضویت در جامعه بین‌المللی مکلف به آن هستند
 (Weatherall, 2015: 353). آثار خاصی که در ماده ۴۱ طرح برای نقض قواعد آمره
 احصا شده به‌وضوح نشانگر این مدعا است. کمیسیون در شرح و تفسیر مقدمه فصل
 سوم طرح مسئولیت دولت‌ها به شرح زیر و در قالب اشاره به نقض تعهدات
 عام‌الشمول ناشی از قواعد آمره می‌پردازد:

«مرکز ثقل تعهد در قبال جامعه بین‌المللی در کلیت آن لزوماً نفع حقوقی تمامی
 دولت‌ها در تبعیت از آن‌ها است و در نتیجه حقی برای سایر دولت‌ها ایجاد می‌کند که
 به موجب آن بتوانند به مسئولیت دولت خاطی استناد کنند... نقض‌های شدید تعهدات
 ناشی از قواعد آمره بین‌المللی حقوق بین‌الملل عام می‌توانند موجب آثار مضاعفی نه‌تنها
 برای دولت مسئول بلکه برای تمامی سایر دولت‌ها باشند» (ILC, 2001: 111-122).

به این ترتیب، چنین تعهداتی تعهد در قبال جامعه بین‌المللی در کلیت آن هستند و
 تبعیت از آن‌ها متضمن نفع حقوقی برای تمامی دولت‌ها است، نقض آن‌ها تمامی

دولت‌ها را متأثر می‌کند و بر همین اساس است که دولت‌ها مجاز به واکنش در مقابل نقض تعهدات عام‌الشمول ناشی از قواعد آمره بین‌المللی هستند تا بتوانند آثار نقض را خنثی و حتی از ادامه آن و پیش از آن، از نقض این قواعد ممانعت به عمل آورند (ICTY, 1988: para 151 همچنین در این خصوص بنگرید به: حدادی، ۱۳۸۹: ۱۲۴-۸۹) و در واقع «از طرف عموم اقدام کنند»^۱ واکنش دولت‌ها به نقض قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی که در قسمت قبل مورد بررسی قرار گرفت حاکی از آن است که تعهدات ناشی از قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی در واقع به عنوان تعهدات عام‌الشمول ناشی از قواعد آمره بین‌المللی تلقی شده‌اند که نقض آن‌ها تمامی دولت‌ها را متأثر کرده است و بنابراین نیازمند واکنش از طرف عموم است. باید به این نکته مهم توجه داشت که اقدام از طرف عموم، اقدام قضایی یا حقوقی و در واقع استناد به مسئولیت است که از طریق طرح دعوی یا اقدام متقابل انجام می‌شود و صرفاً از طریق سازوکارهای قانونی قابل قبول است. لذا هر واکنشی را قانونی نمی‌سازد.

مفهوم اقدام از طرف عموم در این معنی اولین بار توسط قاضی آمانو و در نظر جداگانه‌ای که در پرونده بارسلونا تراکشن داد به این حوزه راه پیدا کرد. به عقیده وی، برخی از اصول با ماهیت بین‌المللی و انسانی در بطن هنجارهای آمره جای گرفته‌اند و موجد حقوق و منافع قانونی با ماهیت جمعی و عمومی شده‌اند که نقض یا انکار آن‌ها اقدام از طرف عموم را می‌طلبد (ICJ, 1970: 286). در همین ارتباط، دیوان بین‌المللی دادگستری طی نظر مشورتی خود در پرونده آثار حقوقی حضور مستمر آفریقای جنوبی در نامیبیا برای دولت‌ها به شرح زیر به بیان به فلسفه و علت لزوم واکنش دولت‌ها به نقض برخی از تعهدات بین‌المللی پرداخت که مستقیماً افراد انسانی را متأثر می‌کند: «تمامی دولت‌ها در مورد آثار کلی ناشی از وضعیت غیرقانونی... باید به خاطر داشته باشند که زیان‌دیده واقعی افراد انسانی هستند که ناچار برای کمک و یاری به جامعه بین‌المللی نظر دوخته باشند» (ICJ, 1971: 16, para. 127).

1. Actio Popularis.

کمیسیون نیز تصدیق کرده است که یکی از آثاری که ممکن است بر تفکیک قواعد آمره از قواعد تکمیلی و تعهدات ناشی از آن‌ها مترتب شود این است که نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره، اقدام از سوی عموم را می‌طلبد (Ago, 1976: 50). گزارشگر ویژه کمیسیون، ریفاگن، نیز در گزارش سوم خود به این نتیجه منطقی دست یافت که حمایت منافی به غیر از منافع دولت‌ها توسط قواعد حقوق بین‌الملل نشانگر پی بردن به لزوم اقدام از سوی عموم توسط دولت‌ها است که در واقع یکی از روش‌های اجرای قواعد است (Riphagen, 1982: 37).

ملاحظات دیوان و کمیسیون بیانگر این واقعیت است که در بسیاری از موارد صرفاً دول ثالث توانایی مقابله با وضعیتی را دارند که در اثر نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره ایجاد شده‌اند. بر همین اساس اعطای اختیار واکنش به چنین وضعیت‌هایی از طرف جامعه بین‌المللی به آن‌ها به دور از تصور نیست.

دیوان در پرونده مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای، اکثر قواعد حقوق بشردوستانه را به عنوان قواعد غیرقابل تخطی شناخته که لزوماً موجب تعهدات عام‌الشمول هستند (ICJ, 1996: para 79) و کمیسیون نیز آن را پذیرفته است (ILC, 2001:113). بر همین اساس، تعهدات ناشی از قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی نیز به عنوان یکی از مصادیق قواعد بنیادین قواعد حقوق بشردوستانه می‌توانند واجد خصایصی باشند که نقض آن‌ها واکنش از طرف عموم را توجیه کند. بنیادین بودن این قاعده از این نظر قابل توجیه است که این قاعده مبتنی بر اصول اساسی حقوق بشر دوستانه از جمله منع تفکیک است.

شاید این ایراد وارد شود که دیوان تمامی قواعد حقوق بشردوستانه را در زمره قواعد آمره ندانسته است. گرچه این ایراد در بادی امر درست می‌نماید، اما نباید از این نکته غافل ماند که اصول زیر بنایی قاعده ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی از جمله اصل تفکیک به صراحت به عنوان اصول بنیادین حقوق بشردوستانه و از جمله قواعد آمره شناخته شده‌اند. علاوه بر این، تعهدات مدنظر ماده ۴۰ طرح تعهدات ناشی از قواعدی هستند که موضوع آن‌ها ممنوعیت اعمالی است که غیرقابل تحمل قلمداد می‌شوند؛ زیرا

این اعمال در واقع تهدیدکننده بقای دولت‌ها و مردمان آن‌ها و همچنین اساسی‌ترین ارزش‌های انسانی هستند (ILC, 2001:112). قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی نیز در مقام ممنوعیت اعمالی است که فی‌نفسه منجر به تهدید بنیادی‌ترین ارزش‌های انسانی هستند.

به این ترتیب، دولت‌ها نه تنها مکلف به رعایت تعهدات ناشی از قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی هستند بلکه باید در اجرای آن‌ها نیز نقش ایفا کنند. بر این اساس، دولت‌ها به هنگام مواجهه با نقض قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی مکلف به واکنش در برابر آن و در واقع اجرای قاعده و تعهدات ناشی از آن هستند که از جمله مصادیق مهم آنکه در مورد اجرای تعهدات ناشی از قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی به دلیل وضعیت وخیم انسانی ناشی از نقض این قاعده بیشتر از سایر چهره‌های اجرای قاعده جلب توجه می‌کند، تعهد به پایان بخشیدن به نقض آن است که در ادامه بررسی خواهد شد.

از سوی دیگر، جوهره و جان‌مایه تعهد به همکاری در پایان بخشیدن به نقض قواعد آمره بین‌المللی واکنش به «جرائم بین‌المللی» است. ولی از آنجایی که وجود عبارت «جرم بین‌المللی» در پیش‌نویس اولیه طرح مباحث زیادی را به دنبال داشت، ماده ناظر بر این مفهوم از طرح حذف شد که به معنای کیفرزدایی از وصف عمل متخلفانه بین‌المللی دولت است (Sisilianos, 2002: 1099-1145) نه نادیده انگاشتن تعهدات موضوع این ماده که نقض آن‌ها تبعات خاصی را به دنبال دارد. به دیگر سخن، تعهدات دولت‌ها که در مواجهه با نقض‌های شدید قواعد آمره که در این ماده به آن‌ها اشاره شده بود، به قوت خود باقی است.

۲-۲. مسائل مرتبط با تعهد به پایان بخشیدن به کاربرد سلاح‌های شیمیایی

با عنایت به مراتب فوق اصولاً تعهد به پایان بخشیدن به نقض در مورد نقض قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی محقق می‌شود، ولی با این وجود باید به مسائل ظریفی نیز توجه کرد که ممکن است مانع تحقق این تعهد در مورد نقض این قاعده

شوند. نخستین مسئله مشخص نبودن حدود و ثغور این تعهد و همچنین شکل همکاری و ابزارهای مجاز برای پایان بخشیدن به نقض است، زیرا نخست، تعهد به پایان بخشیدن به نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره، از جنبه‌های توسعه حقوق بین‌الملل قلمداد شده است (ILC, 2001:113) و این رویه دولت‌ها است که چارچوب آن را مشخص خواهد کرد (Costelloe, 2017: 187) و دوم اینکه نحوه پایان بخشیدن به نقض به ماهیت تعهد اولیه نقض شده و اوضاع و احوال هر مورد بستگی دارد (Sicilanos, 2010:1137-48). دومین مشکل ویژگی نقض قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان نقض آنی و مستمر است که امکان دارد تحقق تعهد به پایان بخشیدن به نقض قاعده را با اشکال مواجه کند. سومین مسئله، تأثیر شدت نقض تعهدات ناشی از قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی بر تحقق تعهد به همکاری در پایان بخشیدن به آن است.

در خصوص مشکل اول باید گفت، همان‌گونه که در شرح و تفسیر ماده ۴۱ طرح آمده شکل و ابزار عملی کردن تعهد به پایان بخشیدن به نقض قواعد آمره در متن ماده ۴۱ مشخص نیست و به اوضاع و احوال هر قضیه و ماهیت تعهد نقض شده بستگی دارد. در عمل، این تعهد به واسطه اقداماتی نظیر مقابله به مثل، واکنش‌های مبتنی بر معاهده از قبیل تعلیق تعهدات متقابل یا اقدامات خارج از معاهده از قبیل اقدامات متقابل دول ثالث قابل تحقق است (Costelloe, 2017:186). در مورد نقض اخیر قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی یکی از ابزارهای اشاره شده برای پایان بخشیدن به نقض آن در سوریه توسل به زور بود. با عنایت به واکنش دولت‌ها به طرح بحث توسل به زور در واکنش به کاربرد سلاح‌های شیمیایی در سوریه می‌توان سه رویکرد عمده را از هم باز شناخت: نخست، رویکرد سنتی که وفق آن توسل به زور صرفاً با استناد به ماده ۵۱ منشور و شورای امنیت مجاز است. دوم، رویکردی که بر اساس آن در صورت ناتوان شدن شورای امنیت، دولت‌ها می‌توانند برای پایان بخشیدن به کاربرد سلاح شیمیایی در سوریه متوسل به زور شوند. درنهایت بر اساس رویکرد سوم، مداخله بشردوستانه جهت پایان بخشیدن به کاربرد سلاح شیمیایی در سوریه در واقع چهره‌ای

از دفاع مشروع است که به واسطه ماده ۵۱ منشور مجاز شمرده شده است (Weatherall, 2015: 363-371). در هر حال چنانچه همکاری برای متوقف نمودن نقض جدی قاعده آمره مستلزم به کارگیری زور و قوه قهریه باشد، تنها راه برای اعمال آن مجوز شورای امنیت است (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۹۷۴).

منظور از شکل همکاری، نهادین یا غیر نهادین بودن آن است. از آنجایی که نهادین یا غیر نهادین بودن شکل همکاری محل اختلاف است، باید در ارزیابی قابلیت اعمال تعهد به همکاری در پایان بخشیدن به نقض قواعد آمره، به این نکته نیز توجه داشت و ضمن اشاره هرچند کوتاه به این اختلاف‌نظرها باید دید آیا همکاری در پایان بخشیدن به قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی باید در قالب خاصی انجام گیرد یا اینکه کشورها می‌توانند خارج از ساختارهای نهادین اقدام به پایان بخشیدن به استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر آن کنند. آنچه از بند ۱ ماده ۴۰ استنباط می‌شود این است که امکان همکاری غیر نهادین به موجب این ماده نفی نشده است. در واقع این ماده مستلزم آن است که در موارد نقض‌های جدی، تلاش مشترک و هماهنگی از سوی تمامی دولت‌ها برای پایان بخشیدن به نقض قاعده آمره انجام شود.

گرچه مؤثرترین اقدامات برای واکنش به نقض قواعد آمره از جمله نقض تعهدات ناشی از ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی همکاری نهادین است ولی با این حال، تعهد به واکنش در مقابل نقض جدی قواعد آمره به موجب حقوق بین‌الملل برای تمامی دولت‌ها محقق می‌شود. اهمیت پذیرش تحقق این تعهد برای تک‌تک دولت‌ها و خارج از چارچوب‌های نهادین زمانی آشکار می‌شود که سازمان‌های بین‌المللی به دلیل ملاحظات سیاسی قادر به واکنش نباشند و یا نتوان واکنش‌های جمعی را با اخذ مجوز مربوطه از سازمان‌های بین‌المللی انجام داد. ولی در هر حال، در صورت نقض چنین قواعدی مطلوب این است که تمامی دولت‌ها در چارچوب قانونی و با عنایت به اختیارات شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به نقض قواعد آمره به نحو مندرج در ماده ۴۱ طرح واکنش نشان دهند.

در عمل تصویب قطعنامه‌های ۲۱۱۸ مورخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳، ۲۲۰۹ مورخ مارس ۲۰۱۵ و ۲۲۳۵ مورخ ۷ اوت ۲۰۱۵ را می‌توان از یک‌سو تأکیدی بر لزوم واکنش سازمان‌یافته یا نهادین به نقض قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی دانست و از سوی دیگر توجه به اوضاع و احوال تصویب این قطعنامه‌ها که در آن کشورها حتی تهدید به توسل به زور برای مقابله با کاربرد این سلاح‌های شیمیایی در سوریه کرده بودند را می‌توان قرینه‌ای برای کشف این واقعیت دانست که شورای امنیت واکنش قهری به این موضوع را در قالب مقررات فصل هفتم منشور ملل متحد مجاز می‌داند، زیرا با ادامه نقض قطعنامه ۲۱۱۸، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۲۳۵ اعلام کرد که قطعاً نقض قطعنامه ۲۱۱۸ اعمال اقدامات مندرج فصل هفتم منشور را به دنبال خواهد داشت. شورای امنیت در مقام بیان این نکته بوده است که هر نوع واکنش قهری به استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه باید در چارچوب حقوقی از قبل تعیین شده انجام شود و نمی‌تواند مجوز جدیدی برای توسل به زور باشد که هر دولت بنا به تشخیص خود برای خود صادر کند و بر آن اساس اقدام به توسل به اقدامات قهری کند. گرچه نظرات شورای امنیت را نمی‌توان به معنای رویه دولت‌ها تلقی کرد ولی از آنجایی دولت‌ها به هنگام ابراز نظر در مورد این قطعنامه معترض این موضوع نشده‌اند، می‌توان قائل بر این بود که دولت‌ها نیز بر این عقیده هستند.^۱ به این ترتیب، هر واکنشی و به هر شکلی باید در چارچوب حقوقی حاکم بر روابط بین‌المللی از جمله حقوق توسل به زور و لزوم حفظ صلح و امنیت بین‌المللی توجیه‌پذیر باشد. در هر حال، این نظر از این جهت قابل تأیید است که نباید راه را برای ایجاد استثنایی جدید برای توسل به زور باز کرد.

دومین مشکل در مورد تحقق تعهد به همکاری در پایان دادن به نقض قاعده ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی از آنجا ناشی می‌شود که تعهد به همکاری در پایان دادن به نقض، اصولاً در مورد نقض‌های مستمر قابل تحقق است ولی با کاربرد سلاح

۱. جهت ملاحظه نظرات دولت‌ها در مورد قطعنامه ۲۱۱۸ بنگرید به: (UN, 2013)

شیمیایی، قاعده ممنوعیت آن در لحظه‌ای از زمان و به‌طور آنی نقض می‌شود و در نتیجه نمی‌توان قائل به تحقق تعهد به همکاری در پایان بخشیدن به نقض آن شد. در مقابل باید گفت، تعهدات ناشی از نقض قواعد آمره در هر حال و فارغ از اینکه نقض ویژگی مستمر یا آنی داشته باشد در مورد نقض‌های آنی تعهدات عام‌الشمول ناشی از قواعد آمره نیز تحقق پیدا می‌کنند (ICJ, 1971:16 & ICJ, 2004: 136) و در نتیجه دولت‌ها مکلف به همکاری برای پایان بخشیدن به نقض‌های شدید تعهدات عام‌الشمول ناشی از قواعد آمره در حدود مقرر در منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل هستند (ICJ, 2004: 136 & ICJ, 1971:126).

علاوه بر این، در اکثر موارد کاربرد این سلاح، استفاده‌کننده به دفعات از آن استفاده می‌کند که می‌توان با استناد به اثر جمعی تعداد دفعات قائل به تحقق تعهد به همکاری برای پایان دادن به استفاده از این سلاح شد، به نحوی که دیگر استفاده‌کننده مجال و امکان استفاده از آن را از دست بدهد. از سوی دیگر، مصائبی که استفاده از این سلاح به دنبال دارد نیز می‌تواند تحقق تعهد به همکاری در جهت جلوگیری از استفاده مجدد استفاده‌کننده از این سلاح را توجیه کند. قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی یکی از قواعد ضامن بقای دولت‌ها و پاسدار ارزش‌های بنیادین بین‌المللی است و از همین روی نیز نباید تفکیک بین نقض آنی و مستمر را در تحقق تعهد به پایان بخشیدن به نقض تعهدات ناشی از ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی وارد کرد، زیرا در عمل مانع از واکنش لازم و جلوگیری از تکرار مصائب ناشی از نقض این قاعده می‌شود. به این ترتیب، به صرف یک‌بار استفاده از این سلاح از سوی یک دولت، سایر دولت‌ها مکلف به همکاری در اتخاذ تدابیری هستند که مانع استفاده مجدد استفاده‌کننده از این سلاح شود.

از سوی دیگر، ممنوعیت صرف نگهداری سلاح شیمیایی نیز هم‌شأن با ممنوعیت استفاده از آن است. اگرچه شاید دولت‌ها واکنش شدیدی نسبت به صرف نگهداری از خود نشان ندهند ولی ممکن است نگهداری متصل به استفاده، واکنش شدید را به دنبال داشته باشد و در واقع نگهداری این سلاح ممنوعه به عنوان مبنای واکنش به نقض

مستمر تعهد عام‌الشمول ناشی از قاعده‌ای قرار گیرد که به موجب آن نگهداری این سلاح ممنوع است.

سومین مسئله، تأثیر دادن شدت نقض تعهدات ناشی از قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی بر تحقق تعهد به همکاری در پایان بخشیدن به آن است. تأثیر شدت نقض برای توجیه واکنش دول ثالث به نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره به معنی ایجاد آستانه‌ای بود که در آن تعهد به عدم شناسایی و عدم کمک و تعهد به همکاری برای پایان بخشیدن به نقض برای دول ثالث ایجاد می‌شود (Costelloe, 2017:193). وفق ماده ۴۰ طرح دولت‌ها، ترتب آثار خاص مد نظر طرح بر نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره منوط به شدت و سازمان یافتگی آن است. این آستانه به طور قطع دولت خاطی را از مسئولیت نقض معاف نمی‌کند بلکه هدف از آن محدود کردن ترتب این آثار بر آن دسته نقض‌هایی بوده است که شدت آن‌ها اقدام از سوی عموم را ایجاب می‌کند. گرچه شاید اهمیت دادن به درجه و شدت نقض برای تحقق تعهدات سه‌گانه مطلوب دول ثالث باشد ولی دیوان بین‌المللی دادگستری آثار ناشی از نقض را به ماهیت تعهد نقض شده پیوند زده است نه به شدت نقض (Crawford, 2010: 401). از سوی دیگر، قید شدت صرفاً ناظر بر خود نقض نیست بلکه به آثار آن نیز اشاره دارد و در واقع ملاک ارزیابی آن را می‌توان میزان آسیب به ارزشی دانست که قاعده در صدد پاسداری آن است. با این تفسیر، از آنجایی که موضوع قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی موضوعاتی هستند که نوعاً با حیات و بقای انسان و منع تحمل رنج بیهوده پیوند خورده‌اند، حتی کوچک‌ترین نقض‌های آن مهم‌ترین ارزش‌های جامعه بین‌المللی را تهدید می‌کند و از این نظر می‌توان ادعا کرد که در مورد قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی در واقع قید شدت ناظر بر آثار آن است نه سایر اوصاف نقض.

نتیجه‌گیری

قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی یکی از قواعدی است که نقض آن بی‌تابی جامعه بین‌المللی را به همراه دارد و دولت‌ها همواره واکنش‌هایی به نقض این قاعده از خود نشان داده‌اند. لکن، واکنش دولت‌ها به نقض این قاعده در سوریه تداعی‌گر آن واکنش‌هایی بود که به موجب حقوق مسئولیت بین‌المللی در واکنش به نقض قواعد آمره در طرح مسئولیت دولت‌ها پیش‌بینی شده است. بر این اساس، این پرسش اساسی مجال طرح پیدا کرد که آیا این قاعده به مرتبه‌ای از منزلت دست یافته که بتوان آثار نقض قواعد آمره را بر آن مترتب دانست؟ انتشار گزارش‌های اخیر مخبر کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد قاعده آمره که به نوعی گردآوری دکترین و رویه اعم از رویه دولت‌ها و محاکم بین‌المللی در مورد معیارها، مصادیق و آثار قواعد آمره است این امکان را فراهم آورد تا قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی با معیارهای قاعده آمره سنجیده شود. با سنجش این قاعده با معیارهای قاعده آمره، این نتیجه قابل حصول است که در حال حاضر می‌توان حکم به آمره بودن این قاعده داد، زیرا بر اساس تحلیل‌هایی که انجام شد، نه تنها این قاعده متعلق به حوزه قواعد حقوق بین‌الملل عام است بلکه واکنش دولت‌ها به نقض اخیر آن در سوریه چه در قالب قطعنامه‌های شورای امنیت و چه به‌طور انفرادی نشانگر آن است که دولت‌ها در عمل رفتاری را در مقابل نقض این قاعده از خود نشان داده‌اند که به هنگام نقض قواعد آمره باید از خود نشان دهند و بنابراین عنصر پذیرش و شناسایی را به معیار اول احراز قواعد آمره یعنی تعلق به حوزه حقوق بین‌الملل عام ملحق کرده‌اند.

در نتیجه، می‌توان آثار قاعده آمره را بر آن مترتب دانسته و در صورت نقض این قاعده به سازوکارهای اجرای آن در حقوق مسئولیت بین‌المللی متوسل شد که از جمله آن‌ها تعهد به همکاری در پایان بخشیدن به تعهدات ناشی از قواعد آمره است. ظرفیت تعهد به همکاری برای پایان بخشیدن به نقض قواعد حقوق بین‌الملل از جمله قاعده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان سازوکاری برای اجرای این قبیل تعهدات را نباید نادیده انگاشت. واکنش جامعه بین‌المللی به کاربرد سلاح‌های شیمیایی در سوریه

و وادار شدن دولت این کشور به پیوستن به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و حرکت به سوی امحای سلاح‌های شیمیایی در این کشور به خوبی پرده از ظرفیت همکاری در جهت پایان بخشیدن به نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره برداشت. لکن این همکاری باید با در نظر گرفتن چارچوب و شرایط مقتضی انجام گیرد و راه را برای توسل به زور بدون مجوز باز نکند.

البته آمره شمرده شدن قاعده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی، بی‌گمان مصون از نقد و ایراد نخواهد ماند که در این صورت نمی‌توان قائل به تحقق تعهد به همکاری در پایان دادن به نقض آن به عنوان قواعد آمره بین‌المللی شد و در نتیجه باید نقض آن را مشمول قواعد عام مسئولیت تلقی کرد. در این صورت، این فرض قابل بررسی است که رژیم حقوقی حاکم بر استفاده از سلاح شیمیایی رژیم خاصی است که رویه اخیر جامعه بین‌المللی حاکی از نوعی بی‌تابی در برابر نقض و استثنایی بر برخی قواعد حقوق بین‌الملل عام با ویژگی‌هایی خاص است. به هر ترتیب، هر دو فرض به نتیجه‌ای واحد می‌انجامد و آن بی‌تابی جامعه بین‌المللی در برابر نقض برخی از قواعد بین‌الملل عام است؛ چه آنکه دولت‌ها به هنگام واکنش به نقض قواعد حقوق بین‌الملل به ماهیت آن‌ها اشاره نکرده‌اند و بیشتر به مبانی فلسفی قاعده اشاره داشته‌اند.

منابع

الف. فارسی

احمدی‌نژاد، مریم (۱۳۹۱) «تعهدات در قبال جامعه بین‌المللی و جایگاه آن در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۴، صص ۹۸۴-۹۶۱.

اردلان، اسعد (۱۳۸۹) «سلاح‌های شیمیایی و حقوق بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره ۴، صص ۹۹۰-۹۷۰.

جلالی، محمود و مقامی، امیر (۱۳۸۷) «تعامل حقوق ایران و حقوق بین‌الملل کیفری در جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های شیمیایی»، دو ماهنامه مفید، دوره ۱۴، شماره ۷۰،

صص ۱۳۰-۱۱۳.

حدادی، مهدی (۱۳۸۹) «استناد به مسئولیت دولت ناشی از نقض تعهدات عام الشمول»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۲، صص ۱۲۴-۸۹.
رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۷) «پویایی حقوق بین‌الملل و پایایی شکنجه»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۱، صص ۲۴۸-۲۰۵.

زمانی، سید قاسم (۱۳۹۶) «تلازم میان مسئولیت دولت و فرد در قبال جنایات بین‌المللی در جنگ شیمیایی عراق علیه ایران»، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی احقاق حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق با ایران در مراجع ملی و بین‌المللی، به اهتمام سید قاسم زمانی، تهران: شهر دانش.

عبدالمالکی، مهدی و نوری، ولی‌الله (۱۳۹۶) «دیوان کیفری بین‌المللی، حاکمیت قانون و استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران»، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی احقاق حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق با ایران در مراجع ملی و بین‌المللی، به اهتمام سید قاسم زمانی، تهران: شهر دانش.

فلک، دیتر (۱۳۹۱) حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، به اهتمام سید قاسم زمانی و امیر ساعد وکیل، تهران: شهر دانش، چاپ دوم.

موسوی، سید فضل‌الله و خلف رضایی، حسین (۱۳۹۴) «قواعد امره حقوق بین‌الملل؛ تکامل یا تحول در منابع حقوق بین‌الملل (با بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی ملی)»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ششم، شماره ۱، صص ۳۶۹-۳۹۱.

ب. انگلیسی

Costelloe, Daniel (2017) *Legal Consequences of Peremptory Norms in International Law*, Cambridge: Cambridge University Press.

Crawford, James (2010) "International Crimes of States", in *The Law of International Responsibility*, edited by Crawford et al, Oxford: Oxford University Press.

Henckaerts, Jean-Marie and Doswald-Beck, Louise (2009) *Customary*

- International Humanitarian Law, Cambridge: Cambridge University Press, 3rd ed.
- Hyun, Charles (2015) "The Prohibition of Chemical Weapons: Moving Toward Jus Cogens Status", *Southern California Law Review*, Vol. 88, pp. 1463-1493.
- Orakhelashvili, Alexander (2006) *Peremptory Norms in International Law*, New York: Oxford University Press.
- Slye, Ronald C. & Van Schaack, Beth (2009) *International Criminal Law: The Essentials*, New York: Kluwer Law & Business.
- Sévrine, Knuchel (2015) *Jus Cogens: Identification and Enforcement of Peremptory Norms*, Zurich: Schulthess.
- Shelton, Danish (2002) "Righting Wrongs: Reparation in the Articles on State Responsibility", *American Journal of International Law*, Vol. 96, No. 4, pp. 833-856.
- Sicilanos, Lionos-Alexandre (2010) "Countermeasures in Response to Grave Violations of Obligations Owed to the International Community", in *The Law of International Responsibility*, edited by Crawford et al, Oxford: Oxford University Press.
- Sisilianos, Linos-Alexander (2002) "The Classification of Obligations and the Multilateral Dimension of the Relations of International Responsibility", *European Journal of International Law*, Vol. 13, No. 5, pp. 1127-1145.
- Tunkin, Grigory (1993) "Is General International Law Customary Law Only?", *European Journal of International Law*, Vol. 4, pp. 534-541.
- Weatherall, Thomas (2015) *Jus Cogens: International Law and Social Contract*, Cambridge: Cambridge University Press.

Judgments and Advisory Opinions

- ICJ (1970) *Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain)*, Judgment, ICJ Reports 1970, Separate Opinion of Judge Ammoun.
- ICJ (1971) *Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970)*, Advisory Opinion, ICJ Reports 1971.
- ICJ (1996) *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, Advisory Opinion, ICJ Reports 1996.

- ICJ (1997) Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, I.C.J. Reports 1997.
- ICJ (2004) Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, ICJ Reports 2004.
- ICJ (1996) Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, ICJ Reports 1996.
- ICJ (1969) North Sea Continental Shelf, Judgment, I.C.J. Reports 1969.
- ICTY (1999) Prosecutor v. Jelisić, Case No. IT-95-10-T, 14 December 1999, para. 60.

Documents

- Crawford, James (2000) Third Report on State Responsibility, Year Book of International Law Commission.
- Ago, Robert (1976) Fifth Report on State Responsibility, Year Book of International Law Commission, Vol. 2, Part 1.
- ILC (1966) Yearbook of the International Law Commission, New York: UN, vol. 2, Part 2.
- ILC (2001) Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, UN Doc. (A/56/10).
- ILC (2017) Second report on peremptory norms of general international law (jus cogens), A/CN.4/706.
- ILC (2016) First report on jus cogens, 2016, A/CN.4/693.
- ILC (2019) Fourth report on peremptory norms of general international law (jus cogens), 2019, A/CN.4/727.
- ILC (2018) Third report on peremptory norms of general international law (jus cogens), 2018, A/CN.4/714.
- Riphagen, Willem (1982) Third Report on State Responsibility, Year Book of International Law Commission, Vol. 2, Part 1.
- United Nations (1993) Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on their Destruction, Treaty Series, Vol. 1975.
- United Nations (1969) Vienna Convention on the Law of Treaties, 23 May 1969, United Nations, Treaty Series, Vol. 1155.
- ILC (2006) Yearbook of the International Law Commission, 2006, Vol. 2, Part Two.

Internet sources and websites

<https://www.lexico.com/en/definition/hideous>

https://ihl-databases.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_rul_rule74

<https://ihl-databases.icrc.org/ihl/INTRO/280?OpenDocument>

<https://www.opcw.org/evolution-status-participation-convention>

Obama Warns Syria Not to Cross “Red Line,” CNN,

<http://www.cnn.com/2012/08/20/world/meast/syria-unrest>

<http://www.un.org/sg/spokesperson/highlights/index.asp?HighD=9/16/2013>

Borger, Julian, France Warns Syria of Forceful Response over Chemical Weapon Claims, GUARDIAN (Aug. 22, 2013),

<http://www.theguardian.com/world/2013/aug/22/france-warns-syriaresponse-chemical> (Last visited 22 March 2019).

Gordon, Michael R., U.S. and Russia Reach Deal to Destroy Syria’s Chemical Arms, N.Y. TIMES (Sept. 15, 2013),

<http://www.nytimes.com/2013/09/15/world/middleeast/syria-talks.html> (Last visited 21 March 2019).

<https://www.un.org/press/en/2013/sc11135.doc.htm>